

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان
محمد آسنگران

Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

ایسکرا ۲۸۵

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۵ آبان ۱۳۸۴ ، ۱۶ نوامبر ۲۰۰۵

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیر: عبدل کلپریان

به سازمانها و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان

کارگران نساجی کردستان تصمیم گرفته اند اعتراض را به خیابان بکشند

به شکست کشانده نشود و اتهامات علیه فعالین اول مه سقز کاملاً کنار زده نشود، تعرض بیشتری به فعالین کارگری و کل جنبش کارگری را شروع خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران همه سازمانها و اتحادیه های کارگری را فرا میخواند که جمهوری اسلامی را به خاطر پایمال کردن حقوق ابتدایی کارگران در ایران محکوم کنند و لغو فوری و تمام و کمال محکومیت فعالین کارگری شوند. برگزاری اول مه، و اعتصاب و اعتراض حق پایه ای و بی چون و چرای کارگران است و باید به رسمیت شناخته شود. حزب همه سازمانهای کارگری در سراسر جهان را به حمایت از این حقوق پایه ای فرامیخواند.

خلیل کیوان
دبیر تشکیلات خارج
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ نوامبر ۲۰۰۵

جمهوری اسلامی ایران روز ۱۸ آبان ۸۴ تعدادی از فعالین کارگری را به ۳ تا ۵ سال زندان محکوم کرد. جرم آنها شرکت در مراسم اول مه سال ۲۰۰۳ در شهر سقز است. محمود صالحی از فعالین شناخته شده کارگری به ۵ سال زندان و ۳ سال تبعید و جلال حسینی به ۳ سال زندان محکوم شده اند. سه نفر از فعالین دیگر کارگری نیز قرار است به زودی محاکمه شوند.

حکومت اسلامی در سال ۲۰۰۳ هفت نفر از این فعالین کارگری را در حین مراسم اول مه دستگیر و زندانی کرد. اعتراضات کارگران در ایران و در سطح بین المللی باعث شد آنها با قرار وثیقه آزاد شوند.

محکوم کردن این فعالین تعرض به ابتدایی ترین حقوق کارگری است و تردیدی نیست که اگر جمهوری اسلامی در این تعرض خود

فضای شهر نیروهای اطلاعات با يك ماشين پاترول نمايندگان کارگران را از کارخانه به استانداری بردند. مذاکره نمايندگان کارگران و مقامات دولتی بسیار روشن و صریح انجام گرفت. مقامات دولتی از کارگران خواستند که اعتصاب را تمام کنند. نمايندگان کارگران با قاطعیت اعلام کردند که باید خواسته هایشان اجرا شود.

صفحه ۴

نرسیده به بیرون کارخانه با سد نیروهای امنیتی و انتظامی روبرو شدند. نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی مانع حرکت کارگران به خیابان شدند. نیروهای اطلاعاتی و انتظامی همزمان از ترس حضور خانواده های کارگری و مردم در مقابل صدا و سیما تجمع کردند و به مدت دو ساعت خیابان منتهی به صدا و سیما را بستند.

همزمان با نظامی تر کردن

امروز ۲۵ آبان کارگران نساجی در محل کارخانه مجمع عمومی تشکیل دادند. در این مجمع عمومی نمايندگان کارگران اعلام کردند برای رسیدن به مطالباتشان باید صدایشان را به جامعه برسانند. برای این منظور تصمیم گرفته شد که به خیابان بیایند و در مقابل صدا و سیما جمهوری اسلامی در شهر سنندج تجمع کنند. کارگران به محض حرکت،

حکم ابلاغ شده به فعالین کارگری در شهر سقز باید فوری لغو شود

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
ایران

۲۳ آبان ۱۳۸۴ -
۱۴ نوامبر ۲۰۰۵

دلیل برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، نفوذ آشکار حقوق کارگران است.

ما این احکام را شدیداً محکوم میکنیم و خواهان لغو فوری آن هستیم.

ما از همه کارگران و فعالین کارگری میخواهیم که خواهان لغو فوری این احکام و تیرته بی قید و شرط کلیه دستگیر شدگان مراسم اول مه سقز شوند. ما همه اتحادیه ها و سازمانهای مدافع حقوق انسانی در سراسر جهان را فرامیخوانیم که ضمن محکوم کردن این احکام خواهان لغو فوری آن شوند.

بر اساس حکم صادره که در تاریخ ۱۹-۸-۸۴ از سوی دادگاه انقلاب در شهر سقز که به وکلای دستگیر شدگان اول مه سقز ابلاغ شده است، محمود صالحی به ۵ سال زندان و سه سال تبعید در شهرستان قروه، جلال حسینی، به سه سال زندان و محسن حکیمی، محمد عبیدی پورو برهان دیوارگر هر کدام به دو سال زندان محکوم شده اند.

این حکم ضد کارگری باید فوراً لغو شود. این حکم علیه همه کارگران ایران است. جرم این فعالین برگزاری مراسم اول مه در سال ۸۳ است. محکومیت فعالین کارگری به

در صفحات دیگر

- بیانیه دفتر سیاسی در محکومیت شعار فدرالیسم
- احکام دادگاه سقز علیه دستگیر شدگان اول مه ...
- مصاحبه با منصور حکمت در مورد شعار فدرالیسم
- صفحه ۲
- صفحه ۲
- صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بیانیه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در محکومیت شعار فدرالیسم

۱- در ماههای اخیر شعار فدرالیسم جای برجسته تری در تبلیغات احزاب و گرایشات اپوزیسیون ملی و ناسیونالیست، شامل برخی جریانات باصطلاح چپ، یافته است. در تبلیغات این جریانات برقراری یک سیستم فدرالی، گامی در جهت "عدم تمرکز قدرت" و "دموکراتیزه کردن سیستم اداری کشور قلمداد می شود. اما واقعیت اینست که شعار فدرالیسم در ایران نه فقط متضمن گسترش آزادی های سیاسی و مدنی مردم نیست، بلکه بر عکس، یک شعار عمیقاً ارتجاعی، ضد مردمی و ضد کارگری است که علاوه بر عقب بردن های سیاسی و فکری و فرهنگی تعیین کننده ای که به جامعه تحمیل می کند، می تواند آغازگر یکی از خونین ترین و مشقت بارترین دوره ها در تاریخ معاصر جامعه ایران باشد.

۲- طرح شعار فدرالیسم از جانب این احزاب از این رو نیست که گویا چنین خواستی در میان مردم وجود دارد و یا جنبش و حرکت قابل لمس در خود جامعه برای برقراری یک نظام فدرال در جریان است. هیچ نشانی از وجود تقابل و کشمکش قابل ذکر در مقیاس سراسری در جامعه میان باصطلاح "ملل و اقوام" متشکله کشور" و یا حتی احساس تعلق ملی و قومی غلیظ و علاج ناپذیری در میان مردم که اساسا بهانه ای برای طرح چنین سیاستی بدست بدهد دیده نمی شود. مطالبه یک جامعه فدرال در هیچ یک از تلاطم های سیاسی تاریخ کشور حتی طرح نشده و فاقد هر نوع پیشینه و زمینه در تاریخ معاصر

کشمسور است. حقیقت اینست که شعار فدرالیسم یک شعار دست ساز و ابتدا به ساکن خود این گروههاست که بعنوان فرمولی در مصالحه و معامله میان ناسیونالیست ها و عظمت طلبان ایرانی با جریانات خودمختاری طلب کرد و در راس آنها حزب دموکرات کردستان به پیش کشیده شده است. این فرمولی است که هر دو جریان برای اجتناب از راه حل واقعی مساله کرد و دور زدن اراده مستقیم مردم کردستان، و برای بند و بست از بالای سر مردم و تقسیم قدرت میان خویش یافسته اند. ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و شاخه های مختلف اپوزیسیون ملی، در شعار فدرالیسم این امکان را می بینند که با انکار مساله کرد، و ضمن تضمین "تمامیت ارضی"، دریچه ای برای معامله با احزاب خودمختاری طلب باز کنند. احزاب خودمختاری طلب کرد متقابلاً فدرالیسم را شعاری می بینند که با تعمیم خواست خودمختاری به مقیاس سراسری و طرح آن تحت پوشش مطالبه نظام سیاسی - اداری فدرال برای کل کشور، آنها را از اتهام تجزیه طلبی مبرا می کند و مقاومت دولت مرکزی و احزاب ناسیونالیست ایرانی در برابر خواست خودمختاری را کاهش می دهد.

۳- خصلت ارتجاعی شعار فدرالیسم و عواقب سیاسی و اجتماعی فوق العاده زیانبار آن برای مردم و جامعه بسیار عیان است. فدرالیسم به معنای تقسیم قومی رسمی مردم کشور و تراشیدن هویت های ملی و منطبقه ای بر حسب قومیت، به یک جنگ خونین و عظیم میان جریانات

شناسنامه های قومی برای میلیون ها انسانی است که در ایران زندگی و کار می کنند. فدرالیسم به معنای عقب کشیدن خودآگاهی سیاسی مردم و فرهنگ سیاسی جامعه و برجسته کردن قومی گری و نژادپرستی در ذهنیت مردم و نهادها و قوانین اجتماعی است. فدرالیسم به معنای رسمیت دادن و تعمیم بخشیدن به تبعیضات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی میان مردم بر حسب برجسب های ملی و قومی، پاکسازی های قومی در مناطق مختلف کشور، رهبر تراشیدن از میان مرتجع ترین احزاب و افراد برای مردم مناطق مختلف و به عقب راندن جنبش ها و نیروهای است که برای یک کشور سکولار غیرمذهبی و غیرقومی و برابری همه اهالی کشور مستقل از جنسیت و نژاد و مذهب و قومیت تلاش می کنند. شعار فدرالیسم نسخه ای برای ایجاد عمیق ترین شکاف ها و تفرقه های قومی در صفوف طبقه کارگر کشور است. شعار فدرالیسم شعاری ضد کارگری و ضد سوسیالیستی است.

۴- از نظر عملی، شعار فدرالیسم، زمینه ساز یک کشمکش خونبار و طولانی در سطح کل کشور است. در بخش اعظم مراکز پرجمعیت و صنعتی و در راس همه در شهر دوازده میلیونی تهران، هیچ رابطه یک به یکی میان "اقوام" با سرزمین وجود ندارد. هر نوع تلاش برای تراشیدن هویت قومی برای مردم و تقسیم سرزمین و تعریف حاکمیت منطقه ای بر حسب قومیت، به یک جنگ خونین و عظیم میان جریانات

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

ارديبهشت ۱۳۷۵ - مه

۱۹۶۶

در خرداد ۱۳۵۷، ژوئن

۱۹۹۶، مجدداً در

انترناسیونال شماره ۲۱

منتشر شد.

قومی منجر می شود که بناگرم کل مردم را به کام خود می کشد. ابعاد فاجعه ای که تحقق این افق ارتجاعی قوم پرستانه می تواند در ایران ایجاد کند، چنان عظیم خواهد بود که رویدادهای سال های اخیر یوگسلاوی در قیاس با آن رنگ می بازد و بیروت و کابل و ساریوو در مقایسه با تهران پس از فاجعه "فدرالیسم"، کانون های امنیت و ثبات جلوه خواهند کرد.

احکام دادگاه سقر علیه دستگیر شدگان اول مه را محکوم میکنیم

شوند. ما از همه مردم سقر و همه مدافعین حقوق کارگری میخواهیم برای ملغا اعلام کردن این احکام تلاش کنند.

کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن احکام زندان و تبعید علیه این کارگران از همه سازمانها ی مدافع حقوق انسانی و اتحادیه های کارگری میخواهد به این احکام اعتراض کنند. این احکام باید لغو

۳ سال تبعید و جلال حسینی به ۳ سال زندان محکوم شده اند. اسماعیل خود کام و هادی تنومند تبرئه شدند. بقیه متهمان این پرونده حکمشان ابلاغ نشده است. کمیته کردستان حزب

طبق اخبار رسیده ۱۸ آبان ۸۴ حکم ۴ نفر از دستگیرشدگان اول مه سقر بوسیله دادگاه انقلاب اسلامی این شهر به وکلای متهمان ابلاغ شد. بر اساس احکام این دادگاه محمود صالحی به ۵ سال زندان و

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ آبان ۸۴ - ۱۰ نوامبر
۲۰۰۵

مصاحبه با منصور حکمت درباره شعار فدرالیسم فدرالیسم شعاری ارتجاعی است



منصور حکمت

انترناسیونال: در بیانیه آمده است که طرح شعار فدرالیسم توسط برخی احزاب ایدئولوژیست از وجود چنین مطالبه ای در میان مردم نیست. در این صورت انتشار این بیانیه چه لزومی داشت؟

منصور حکمت:

شعار فدرالیسم جای در ذهنیت و زندگی مردم ندارد، بلکه هویت قومی و قومپرستی بطور کلی هم در بین میلیونها مردم ساکن ایران محلی از اعراب ندارد. اما این متاسفانه برای مصون داشتن مردم از فجايع و تراژدی هایی که قوم پرستی و قوم پرستان میتوانند ببار بیاورند کافی نیست. به دنیای اطراف خود نگاه کنید و رویدادهای این دو دهه اخیر را مرور کنید. حکومت شرع و دولت آخوندی چه زمینه ای در ایران قرن بیستم داشت؟ ظاهراً هیچ. این مردمی بودند که هشتاد سال پیش تر مشروعه چیان را به روزی انداختند که میدانیم. آخوند یک قشر انگلی آبرو و اسباب مضحکه مردم در شهر و ده بود. دختران دو نسل قبل از ما بی حجاب مدرسه میرفتند. موسیقی و سینما جزء لاینفک زندگی مردم بود. با اینحال، امروز در آن جامعه جنون الهی و جهالت دینی و جانوران اسلامی حکم میرانند. یوگسلاوی، یک جامعه مدرن صنعتی و با هر استاندارد امروزی جامعه ای متمدد بود. یوگسلاوها از این صحبت میکنند که چگونه قبل از این ماجراها قومیت و ملیتشان یادشان نبود. تصور چنین اوضاعی برایشان ممکن نبود. که هنوز هم باورشان نمیشود و نمیدانند چه شد که چنین

شماره ۲۸۵
اینکه قومیت و قوم پرستی در جامعه ایران ریشه و زمینه قوی ندارد و اینکه خواست فدرالیسم جایی میان مردم ندارد، به این معناست که روندها و جریانها و جنبشهای اصلی در جامعه به این سمت سیر نمیکنند. اما سوال اینست که چقدر جامعه در برابر تحركات قوم پرستانه مصونیت دارد و چقدر از پیش در مقابل هجوم آتی این واپسگرایی و ارتجاع قومی آمادگی دفاع از خودش را دارد. بقول نادر بکتاش ناسیونالیسم و قوم پرستی مانند ویروسهایی هستند که در حالت خفته به حیات خودشان ادامه میدهند و تحت شرایط خاصی فعال میشوند و حتی گاه اپیدمی ایجاد میکنند. ناسیونالیسم و قوم پرستی در جامعه امروز ایران يك بیماری سیاسی - فرهنگی رایج نیست. اما نه ریشه کن شده و نه جامعه در برابر آن واکنش داده است. وجود همین فدرالیست ها و جماعات عقب مانده ای که از هم اکنون در اوج وقاحت و سفاهت صدور شناسنامه های قومی برای مردم در ایران را شروع کرده اند، گواه این است که این ویروس ریشه کن نشده است و میتواند، بخصوص در يك شرایط متحول و متلاطم سیاسی، مصائب زیادی ببار بیاورد. صدور این بیانیه برای ایجاد آمادگی و مصونیت در جامعه است. صدور این بیانیه همچنین اعلام بی شبهه این واقعیت است که ناسیونالیستها و قوم پرستان و ملیون و روشنفکران ناقص العقل پیرامونی شان است که کمونیسم کارگری قاطعانه جلوی این واپسگرایی میایستد و این جماعات و این تمایلات ضد انسانی و ضد کارگری را میان مردم رسوا میکند. نمیشود مردم را بیست سال با مذهب اسیر کنند و بگویند و بعد بیست سال دیگر هم با قومیت و ملیت. ما اجازه نمیدهیم.

انترناسیونال: بیانیه ظهور شعار فدرالیسم را مستقیماً به مساله کرد ربط داده است. در این

مورد توضیح بیشتری لازم است.

منصور حکمت:

که گفتیم اسم گذاری ملی و قومی مردم، تا چه رسد به کشمکشهای ملی و قومی میان بخشهای مختلف جامعه يك پدیده دیر پا، رایج و همه گیر در کشور نیست. واضح است که در فولکلور عقب مانده اقوام (هر قومی)، خودپسندی قومی و شوینیسم و بیگانه ترسی و غیره هست. در همه کشورها، حتی در یکپارچه ترین "ملل" هم این هست، و ظاهراً تا وقتی سرمایه و سرمایه داری هست این نوع شکاف انداختن میان مردم هم باقی خواهد بود. ایران هم استثناء نیست. اما، هر ناظری که ریگی به کفش و دستور کار پنهانی دیگری نداشته باشد، اذعان میکند که جامعه ایران جامعه ای نیست که چنان در چنگال کشمکش و عدم تحمل قومی و ملی عاجز شده باشد که حکیمی بخواهد با نوشداروی فدرالیسم سراغش بیاید.

وقتی دقت میکنید میبینید پیدا شدن سر و کله این مقوله در دور اخیر مستقیماً به مساله کرد و معاملات و مذاکرات حزب دموکرات با اپوزیسیون ملی مربوط میشود که به زعم دموکراتها فردا قرار است دولت مرکزی را در ایران بدست بگیرند. تمام مساله حزب دموکرات اینست که برچسب تجزیه طلب نخورد، بخصوص چون توحش ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی و جنایاتی که حاضرند تحت لوای دفاع از "تمامیت ارضی" بکنند را میشناسد. خود حزب دموکرات لاجرم در صف مقدم "ایرانیت" دفاع از "تمامیت ارضی" قرار گرفته است. وقتی عفت داداش پور در نشریه نیمروز از دبیرکل حزب دموکرات، آقای ملا عبدالله حسن زاده، نظرش را درباره موضع حزب کمونیست کارگری میپرسد (برسمیت شناسی حق جدایی کردستان، مراجعه به آراء خود مردم کردستان در يك فراتر از مردم جدایی یا باقی ماندن بعنوان شهروندان متساوی الحقوق در

چهارچوب ایران)، جناب حسن زاده برآشفته میشود که: "خیر ما تجزیه طلب نیستیم" و برای اطمینان خاطر دولت مرکزی بعدی مرزبندی آتشی با ما بعمل میآورد. حزب دموکرات خودمختاری میخواهد و به این نتیجه رسیده است که با تعمیم دادن خواست خود به کل کشور، با بدست دادن فرمولی که در آن ناسیونالیسم کرد در برابر يك دولت ناسیونالیست مرکزی تك نباشد، بهتر به این نتیجه میرسد. فرمول فدرالیسم کمک میکند حزب دموکرات خودمختاری بخواهد بدون اینکه کردستان موردی استثنایی تلقی شود. فدرالیسم یعنی "به همه ملل متشکله ایران" خودمختاری بدهید، از جمله به ملت کرد به رهبری حزب دموکرات. حال اگر بقیه مردم در ایران، و از جمله بخش وسیعی در خود کردستان لزوماً خود را با برچسب های قومی فارس و لر و گیلک و افغانی و کرد و عرب و بلوچ و ترکمن تعریف نمیکند، چه بسا

در آنسوی این بده بستان ارتجاعی، جریانات ناسیونالیست ایرانی قرار دارند که خود را با مساله کرد روبرو میبینند و این را یکی از گره گاههای اصلی تثبیت حکومت آتی شان تلقی میکنند. اینها در شعار فدرالیسم درجه ای برای لاپوشانی مساله کرد، اجتناب از مراجعه به آراء خود مردم و بند و بست با حزب دموکرات میبینند. منشاء بحث فدرالیسم محاسبات فرصت طلبانه و پا درهوی چند حزب سیاسی درباره مساله کرد است، این بخودی خود نه چندان نگران کننده است و نه پاسخگویی به آن از سحری تبلیغات روزمره کمونیستی و ضد ناسیونالیستی دشوار است. اما در کنار طرفین اصلی این بحث، که هرکدام منافع مادی شان را دنبال میکنند، مطابق معمول يك صف کامل از کسانی را پیدا میکنیم که میپندارند بنا به شغل شریف روشنفکری و مطبوعاتی، یا بنا به نیازهای گروه داری خود، باید حتماً بدون تعمد و بنا به مد روز چیزی بگویند و خود

شیرینی کنند، و اینها به شهادت سرنوشت تلخ مردم یوگسلاوی و شوروی، خطرناک ترین عناصر در چنین شرایطی هستند. واقعاً باور نکردنی است که کسی از پنجره خانه اش بازی بچه اش و بچه های همسایه را نگاه کند، سپس آهی بکشد و قلمش را دست بگیرد و جاهلانه مردم يك کشور ۶۰ میلیونی را به ۹ ملیت و ۱۳ قومیت و ۵ گروه زبانی و قس علیهذا تقسیم کند و نسخه بپیچد که اینها باید شهرها و محلات را مطابق جدول ایشان بین خود تقسیم کنند و روبروی هم بایستند. اگر اینگونه افکار سفیهانه نتایجی اینچنین خونبار در پی نداشت، شاید حتی مایه خنده مستمعین میشد. اما اینها دانسته و ندانسته جاده صاف کن پاکسازی های قومی و اعدامهای جمعی فردا هستند. اینها دارند علیه زندگی و جان آن بچه های بیرون پنجره توطئه میکنند و حساسیت مساله اینجاست. این دنیای ۳۰ سال قبل نیست. انقلاب الکترونیک و انفورماتیک و پیدایش رسانه های سمعی و بصری جهانی، ژورنالیسم نوکر و مهندسی افکار را به يك فاکتور تعیین کننده در معادلات قدرت و سیر اوضاع سیاسی در کشورهای مختلف تبدیل کرده است. حتی ابلهانه ترین و دور از ذهن ترین تمایلات سیاسی و نسخه های اجتماعي، اگر در چهارچوب وسیع تر طبقاتی و جهانی برد بخشهایی از طبقه حاکمه بخورد به موقع پر و بال داده میشود و به اذهان مردم تحمیل میشود. مساله از محاسبات خرد حزب دموکرات و تتمه احزاب ملی و جمهوریخواه و آریامهری بسیار فراتر است. اینها بازیچه اند. ما باید کل بازی را غیر ممکن کنیم.

مصاحبه با منصور حکمت درباره شعار فدرالیسم فدرالیسم شعاری ارتجاعی است

از صفحه ۳

باشد، اصولیت و مشروعیت دارد. مساله کرد بر سر سهم گرفتن حزب دموکرات و سایر احزاب خودمختاری طلب در ساختار قدرت و سپرده شدن "حاکمیت کردستان" به آنها، از بالای سر مردم، نیست. بند و بست و مذاکرات و معاملات احزاب بر سر کردستان فاقد هر نوع مشروعیت است.

انترناسیونال: برخی سازمانهای چپ گفتند که حزب ما در مخاطراتی که در مقاله "سناریوی سیاه و سفید" بیان شده اغراق کرده است. فکر نمیکنید به این بیانیه هم چنین برخوردی بشود؟

منصور حکمت: بین

خودمان باشد، من ضمن بیشترین احترام به تک تک اعضا و فعالین و رهبران خانواده چپ ضد سلطنتی و سنتی ایران بعنوان انسانهایی که بالاخره با هر زبانی خیر مردم زحمتکش را میخواهند، باید بگویم بعنوان احزاب و سازمانهای سیاسی نه اینها را سوسیالیست میدانم و نه باوری به قدرت تشخیص آنها و قابلیت آنها در ایفای نقش کارسازی در دنیای پس از جنگ سرد دارم. این یک طیف سپری شده و بی افق است. جوانان جبهه ملی و حزب توده اند که اکنون خود دیگر پیر شده اند. برخورد این طیف با این

بیانیه فاکتور مهمی نیست. مهم تر شاید، برخورد بیانیه به آنهاست. اما بیانیه اصولاً خطاب به اینها نیست. خطاب به مردم و بویژه به طبقه کارگر است، که به معنی اجتماعی و سیاسی و تاریخی این کلمات و شعارها توجه کنند و به دام ملی گرایی و قوم پرستی نیفتند، که برای مقابله با آن آماده باشند. بر خلاف بحث سناریوی سیاه و سفید، ما اینجا تاکید کرده ایم که احتمال تحمیل شعار فدرالیسم به جامعه امروز ایران بسیار ضعیف است. بنابراین بحث اغراق بر سر سیر اوضاع عینی نیست. بحث بر سر کثافت نهفته در خود شعارها و تبیین هلی ملی و از جمله شعار فدرالیسم است. در این اساسا نمیشود اغراق کرد و هرچه گفته شود هنوز کم است.

انترناسیونال: آیا میشود

گفت این شعار خصلت نمای احزاب و جریانات مطرح کننده آن است و به این اعتبار باید درباره آنها قضاوت کرد؟ آیا با این بیانیه نحوه برخورد و رابطه حزب با جریاناتی که مدافع فدرالیسم هستند تغییر میکنند؟

منصور حکمت: بنظر من

در سطح نظری میشود احزاب را بر مبنای این شعار قضاوت کرد. همانطور که مذهبی بودن، شوینیست ملی بودن، سلطنت طلب بودن و یا مخالفت با برابری زن و

مرد، در متن تاریخ سیاسی معاصر ایران برای ارتجاعی نامیده شدن یک جریان کافی است، اعتقاد به صدور شناسنامه قومی برای مردم و تشکیل دولت مبتنی بر ملیت و قومیت نیز برای ارتجاعی خوانده شدن یک جریان کافی است. اگر سوالی هست اینست که آیا عمق کثافت شعار فدرالیسم و معانی ضد اجتماعی و ضد انسانی و ضد کارگری آن در سطح وسیع شناخته شده هست یا خیر. شاید هنوز خیر. این ایجاب میکند که بدو برای یک دوره تلاش کنیم این فرمول از برنامه و تبلیغات احزاب اپوزیسیون حذف بشود. البته واضح است که از هم اکنون هر جریانی را که آگاهانه و مصرانه از فدرالیسم و سازمان قومی جامعه دفاع کند باید یک جریان ارتجاعی به حساب آورد.

انترناسیونال: این بیانیه چه

فعالیتهایی را در برابر فعالین حزب میگذارد؟ فعالین حزب در برابر جریاناتی که شعار فدرالیسم را مطرح میکنند چه باید بکنند؟

منصور حکمت: واضح

است که نمیشود و لازم هم نیست که اینجا لیستی از اقدامات بدهیم. اصل قضیه این است که ما محتوای واقعی این شعار را، با تمام وجود و با پشتکار برای مردم روشن کنیم. احزابی که این شعار را طرح میکنند باید فشار نقد ما را هرجا

هستند و هرجا میروند روی خودشان حس کنند. باید تفکر و سیاست قومی و ملی را بی آبرو کرد، همانطور که تفکر و سیاست مذهبی امروزه بی آبرو و منفور است. باید اگر نه کل مردم زحمتکش، لااقل بخش های پرتحرک و فعال طبقه کارگر در ایران آنچنان آگاهانه از ارتجاع ملی و قوم پرستی، که شعار فدرالیسم صرفاً یک بسته بندی لوکس تر آن است، بیزار و متنفر و نسبت به آن حساس باشند که هیچ نیرویی نتواند فردا جلوی پیشروی کارگر و کمونیسم کارگری را با علم کردن کشمکش ها و فجاج قومی سد کند و مردم را به روزی بیاندازد که در یوگسلاوی دیدیم. تبلیغات و آکسیونهای ما باید ظهور توجمان ها و ایزت بگویی ها و کارادیچ ها و ملادیچ ها و میلوویچ ها و ژیرینفسکی های وطنی را غیر ممکن کند. در یک جمله، هم باید حضور ذهن مردم را بالا برد و هم به قوم پرستان و اسپانسورهای فداایشان فهماند که با یک نیروی کمونیستی کارگری سازش ناپذیر و بدون توهم روبرو هستند.

* *

اولین بار در خرداد ۱۳۷۵،
ژوئن ۱۹۹۶، در شماره ۲۱
انترناسیونال منتشر شد.

مجموعه آثار منصور حکمت
جلد هشتم

از صفحه ۱

کارگران نساجی کردستان تصمیم گرفته اند اعتراض را به خیابان بکشند

همچنین اعلام کردند که اگر تا روز شنبه مطالبات کارگران اجرا نشود کارگران همراه با خانواده هایشان در مقابل استانداری تجمع خواهند کرد.

این اقدامات به دنبال نقض توافقی اتفاق می افتد که قبلاً طی

مذاکره ای قرار بود تمام مطالبات کارگران اجرا شود. اما روز بعد از توافق مقامات اداره کار و اطلاعات اعلام کردند که باید فوری اعتصاب تمام شود. در مقابل کارگران اعلام کردند که توافق نامه باید امضا شود، در غیر این صورت اعتصاب

ادامه خواهد داشت. کارگران اعلام کرده اند که تا رسیدن به مطالباتشان اعتصاب را ادامه میدهند. همزمان کارگران شاهو به مقامات دولتی گفته اند اگر تا روز شنبه مطالباتشان روشن نشود در مقابل استانداری تجمع میکنند.

کمیته کردستان حزب ضمن محکوم کردن این اعمال غیر انسانی و ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و کارفرما، تلاش میکند با تمام قوا مبارزات کارگران را تقویت و این اعتصاب با موفقیت به پایان برسد.

رادیو انترناسیونال

۹ هر شب

۴۱ متر برابر با

۷۴۹۰ کیلو هرتز

تلویزیون

کانال جدید

۸ تا ۱۰ شب

مشخصات فنی

Satellite: Telstar

Center Frequency:

12608MHz

SymbolRate:19279

FEC:2/3

Polarization:
Horizontal

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ آبان ۸۴ - ۱۶ نوامبر
۲۰۰۵

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!